

وزارت ارشاد، حج و اوقاف:

در چهارده سال گذشته بیشتر از صد عالم دینی ترور شده اند



صفحه ۶

واکنش‌ها به سربریدن هفت گروگان «شکار توطیه نشوید»



سربریدن هفت تن از گروگان‌ها به شمول سه زن توسط تروریستان در ولایت زابل با واکنش‌های حکومت و پارلمان مواجه شده است. رئیس جمهور غنی این عمل را نشانه ضعف «دشمنان افغانستان» خوانده است.

مجلس نماینده‌گان روز دوشنبه از مردم افغانستان خواست تا وحدت و اتفاق خود را حفظ کنند زیرا دشمنان این کشور در پی نفاق قومی هستند. هفت تن از گروگان‌هایی که سر بریده شده اند هزاره‌هایی هستند که قبلاً در ولایت زابل ربوده شده بودند. اجساد آن‌ها روز یکشنبه به شفاخانه ولسوالی شاه جوی ولایت زابل انتقال داده شد. جلسه فوق‌العاده امنیتی...
ادامه صفحه ۶

فضل کریم ایماق:

کمیسیون حقیقت‌یاب کندز را تحریم کرده‌ام

در همین حال، فضل کریم ایماق یک عضو کمیسیون حقیقت‌یاب رویداد کندز، به دلایل نامعلوم، این کمیسیون را تحریم کرده است.

فضل کریم ایماق از منتقدان کندز است که از سوی رئیس‌جمهوری شامل این کمیسیون شده بود. یکی از نزدیکان آقای ایماق به ماندگار گفته است که عوامل سقوط کندز کاملاً روشن است و اما کمیسیون حقیقت‌یاب، به دنبال گم کردن ردپای عاملان سقوط شهر و بی‌خانمان‌سازی باشندگان کندز بوده‌اند.

در همین حال ابدالله محمدی عضو کمیسیون حقیقت‌یاب کندز می‌گوید: آنان از دلایل سقوط کندز و جنایات صورت گرفته توسط طالبان در این ولایت یک گزارش...
ادامه صفحه ۶

ماندگار گفت که دلیل تأخیر اعلام گزارش کوتاهی حکومت نه، بل بیماری پدر فاروق وردک است. ابدالله محمدی، عضو کمیسیون حقیقت‌یاب با بیان این مطلب می‌گوید: این کمیسیون از دلایل سقوط کندز و جنایات صورت گرفته در این ولایت، یک گزارش ۲۰ صفحه‌یی آماده کرده و آن را به حکومت ارائه کردند؛ اما به دلیل حضور نداشتن فاروق وردک عضو این کمیسیون، نتوانستند آن را با مردم شریک کنند.



اعلام نتیجه بررسی‌های کمیته حقیقت‌یاب رویداد کندز، ظاهراً به دلیل بیماری پدر یک عضو این کمیته به تعویق افتیده است.
یک عضو کمیسیون حقیقت‌یاب رویداد کندز به

رأی‌زنی ناتو درباره آینده

حضورش در افغانستان



است. این وضعیت آن‌طورکه ما امید داشتیم، باثبات نیست. وی در حاشیه مانور ناتو در اسپانیا افزود: کنترل ضعیف دولت بر بسیاری...
ادامه صفحه ۶

مقامات بروکسل و کابل اعلام کردند: همزمان با افزایش نگرانی‌ها نسبت به توانایی نیروهای محلی در مبارزه با اقدامات شورشی رو به رشد طالبان، شرکای ناتو در حال بررسی راه‌های تقویت مأموریت آموزشی و کمک خود در افغانستان هستند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، موفقیت طالبان در تصرف شهر کندز در اواخر سپتمبر سال جاری میلادی و تحت کنترل داشتن آن برای چند روز، شرکای بین‌المللی افغانستان را که میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کرده تا یک نیروی امنیتی ایجاد کنند که قادر است روی پای خود بایستد، شوکه و هراسان کرد.

جنرال هانس-لوتر دومروس، دومین جنرال ارشد آلمان در ائتلاف ناتو گفت: وضعیت بسیار تأمل‌برانگیز

ماین روبی در ادامه جنگ



مسولان اداره مبارزه با حوادث کشور می‌گویند که ماین‌ها و مواد انفجاری باقی‌مانده از دوران جنگ افغانستان در حال تمام شدن اند؛ اما ادامه جنگ‌ها، کار آنان را با چالش مواجه کرده است.

محمدشفیق یوسفی، رئیس انسجام و پاک‌سازی ماین اداره مبارزه با حوادث می‌گوید که از هر جنگی، مقداری ماین و مواد انفجاری باقی می‌ماند که انفجار آن قربانیان زیادی از میان غیرنظامیان کشور می‌گیرد. کابل روز دوشنبه میزبان نشست...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



تبعیض
دلیل فقر در
چهارده‌سال
اخیر

بازسازی علم
مدرن
و
بازخوانی
علم دینی



چندهمسری
یا
تک‌همسری
در اسلام

سرنوشت
افغانستانی‌ها
در آلمان



احمد عمران

تبعیض دلیل فقر در چهارده سال اخیر



کودکی که از فقر می‌میرد، بدون شک نخست گرفتار تبعیض شده است. گزارش تازه وزارت اقتصاد و بانک جهانی افزون بر این که ابعاد فقر در کشور را مشخص می‌کند، پیشنهادهایی را نیز برای غلبه بر آن ارائه می‌دهد و از جمله: تقویت کشاورزی، توسعه انسانی و مدیریت آسیب‌پذیری مردم فقیر است. اما این گزارش می‌تواند سوال‌هایی را نیز برانگیزد و از جمله این که برنامه همبستگی ملی که عمدتاً به توسعه روستایی اختصاص داشت و دارد، چرا با وجود مصرف میلیون‌ها دالر توانست معضل فقر در روستاها را کاهش دهد؟ چه قدر این برنامه توأم با تبعیض و تفاوت اجرا شده و پول‌های مصرف شده، چه قدر توانسته چهره روستاهای کشور را تغییر دهد؟ تیوری پردازان دولت پیشین که عده‌ای از آن‌ها همچنان در قدرت به سر می‌برند، چه گونه می‌توانند خود را از بار این همه جفا که بر این کشور رفته است، برائت دهند؟

بدون شک اگر توزیع کمک‌ها به هدف مهار فقر بدون تبعیض انجام می‌شد، امروز با چنین آمار تکان‌دهنده و وحشتناکی روبرو نبودیم. نسبت به چنین وضعیتی، باید مسوولانه اندیشید و تغییر را به عنوان راهکار اصلی پیشنهاد کرد؛ چون در غیر آن، ما همچنان در دور باطل خواهیم چرخید.

امن خوانده می‌شدند، از کمک‌های اقتصادی و توسعه‌ی کمتری بهره‌برده‌اند، بر این نظر - وجود تبعیض در ذهن و عمل سیاست‌مداران - صحه می‌گذارد.

بله، دولت افغانستان با آن که خود را دولتی مبتنی بر ارزش‌های مردم‌سالارانه معرفی می‌کرد که هیچ‌گونه تبعیضی در قبال شهروندان قایل نمی‌شود، اما در مناسبات قدرت همواره از قواعد سلطه و زور استفاده برده است. همین مسأله سبب شد که شکافی بزرگ میان دولت و مردم ایجاد شود و عملاً بخشی از شهروندان کشور خود را شهروندان درجه دوم احساس کنند.

دولت افغانستان سیاست تبعیض را چنان مدیریت شده انجام می‌داد که حتا نمی‌شد سرنخ را به‌آسانی فراچنگ آورد. این نوع سیاست شوربختانه در سطوحی از مناسبات قدرت در کشور هنوز جاری‌ست. هنوز فقر و تبعیض در این کشور قربانی می‌گیرد و عده‌ی همچنان برای رسیدن به اهداف گروهی خود این سیاست را دنبال می‌کنند. شاید برای چنین سیاست‌مدارانی، سیاست تبعیض نوعی خدمت برای قوم و تبار خود به شمار رود و از آن چندان احساس عذاب وجدان نکنند؛ ولی وقتی پای ارزش‌های انسانی مطرح است، این افراد چه گونه می‌توانند شب‌ها به آرامی سر به بالین بگذارند؟

سال‌های خوب افغانستان سال‌هایی بود که تازه رژیم طالبان سقوط کرده بود و نظام جدید سیاسی در اثر اجماع گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف کشور در بن آلمان شکل گرفت. در آن سال‌ها افغانستان از کمک‌های کم‌نظیر جامعه جهانی برخوردار بود؛ کمک‌هایی که در چند کنفرانس جهانی نسبت به آن تعهد صورت گرفته بود. در آن سال‌ها چنین به نظر می‌رسید که افغانستان به زودی از وضعیت بحران سیاسی و اقتصادی بیرون می‌شود و به یک کشور دارای ظرفیت‌ها و امکانات نسبتاً خوب ارتقا می‌یابد. زیرا تجربه تاریخی کشورهای پسمانزاعه نشان داده که اگر مدیریت بحران به شکل واقعی و عقلانی انجام شود، می‌تواند چرخش و دگرگونی عظیمی را در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراهم سازد. افغانستان در آن سال‌ها به کمک جامعه جهانی از چنین امکانی برخوردار بود که بتواند به وضعیت تازه‌ی دست پیدا کند. در آن سال‌ها فضای عمومی جامعه نیز چنین امیدواری‌ی را به وجود آورده بود که افغانستان راه درست و متناسب با شرایط و ظرفیت‌های خود را انتخاب کرده است. اما پس از گذشت چند سال معلوم شد که بسیاری از آن امیدها چیزی جز سراب نبوده‌اند. چرا؟ چون دولت افغانستان که پس از رژیم طالبان به وجود آمده بود، خود به مانعی کلان در راه تغییرات اجتماعی و اقتصادی بدل شد و نتوانست از امکانات و ظرفیت‌های به وجود آمده به‌درستی استفاده کند. وقتی گزارش مشترک و تازه وزارت اقتصاد و بانک جهانی را در مورد وضعیت فقر در کشور بخوانیم، دقیق تصویر روشنی از آن‌چه که در افغانستان اتفاق افتاده در برابر ما قرار می‌گیرد. بر اساس این پژوهش جدید، ۳۶ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند. در این گزارش گفته شده که فقر بیشتر در مناطق روستایی وجود دارد و از هر پنج فقیر، چهار نفر آن در روستاها زنده‌گی می‌کنند. در همین حال، این گزارش نشان می‌دهد که نیمی از ساکنان مناطق شمال شرقی و مرکزی کشور در فقر به سر می‌برند. این گزارش بسیار تکان‌دهنده است و نشان می‌دهد که ضمن عدم مدیریت درست منابع و توزیع کمک‌ها، به صورت عمدی نیز برخی مناطق در فقر نگاه داشته شده‌اند.

آری، تبعیض چهره دیگر فقر در افغانستان است که گزارش وزارت اقتصاد و بانک جهانی به آن می‌پردازد. هرچند در متن این گزارش هیچ اشاره‌ی به این تبعیض نرفته است، ولی همین که نشان داده می‌شود که برخی مناطق که هنوز در جنگ و ناامنی به سر می‌برند، از امکانات بیشتر مادی برخوردار بوده‌اند و مناطقی که نسبتاً در طول سال‌های گذشته

سخن‌ماندگار

اصلاحات انتخاباتی را بیش از این به تعویق نیندازید

تاریخ ۷ سنبله سال روان بود که کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی، یک بسته پیشنهادی را به ریاست‌جمهوری پیش‌کش کرد. از آن زمان تا اکنون که بیشتر از سه ماه می‌گذرد، هیچ خبری از آن پرونده نیست و مسوولان این کمیسیون در یک بلا تکلیفی محض به سر می‌برند. تشکیل کمیته گزینش کمیشنران کمیسیون‌های انتخاباتی هم شامل همین طرح بود که تا کنون عملی نشده است و دیروز یک بار دیگر ریاست‌اجرائی گفته است که باید این کمیته تشکیل و کارش را آغاز کند. ظاهراً بازم مشکل در ریاست‌جمهوری است تا جای دیگر. واضح است که اگر ارگ ریاست‌جمهوری نخواهد اصلاحات لازم در نهادهای انتخاباتی و روند انتخابات کشور وارد شود، می‌تواند مشکلات زیادی را فراراه این برنامه بگذارد و پروسه را به بهانه‌های مختلف به تعویق اندازد. نگرانی اعضای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی نیز همین است.

مسئلاً اگر اصلاحات پیشنهاد شده در نهادهای انتخاباتی و نظام انتخاباتی عملی شود، احزاب فرصت بیشتری برای دست یافتن به قدرت می‌یابند و این مسأله در نهایت، تعارضات قومی را کاهش داده، سیاست را از مدار قومیت بیرون می‌کند و جامعه قومی را به جامعه سیاسی ارتقا می‌دهد و افکار فردی و گرایش‌های پراکنده سیاسی و بر مبنای هویت‌ها و تعلقات اتنیکی، زبانی، نژادی، مذهبی و غیره نیز جایش را به تفکر منظم در قالب احزاب سیاسی می‌دهد. به عنوان نمونه تا زمانی که احزاب وارد قدرت و سیاست نشوند و سیاست از مجراهای اصلی اش اعمال نگردد، وجود افراد مستقل و غیرسیاسی در پارلمان افغانستان، این مجلس را به جای یک نهاد قانون‌گذار به نهادی قانون‌گریز تبدیل می‌کند و نماینده از سکوی پارلمان و مصونیتی که کسب کرده، می‌تواند مرتکب فساد شود و به هیچ مرجعی هم پاسخگو نباشد. ولی در صورتی که نماینده‌گان بر بنیاد احزاب کرسی‌ها را به دست آورند، به احزاب خود از عملکردشان پاسخگو می‌باشند و احزاب نیز طبق مرام‌نامه حزبی‌شان فعالیت نماینده‌گان را نظارت و بررسی می‌کنند.

ابتدایی‌ترین و حداقل‌ترین سودی که داشتن یک مجلس تقنینی به اشتراک احزاب دارد، کاهش فساد است. از طرف دیگر، تا زمانی که احزاب وارد سیاست نشوند و سیاست به شکل آکادمیک آن به کار گرفته نشود، با روش‌هایی که اکنون در سیاست‌ورزی و حکومت‌داری ما پیش گرفته شده است، نمی‌توانیم یک جامعه متحول و سیاسی داشته باشیم.

اگرچه در چهارده سال گذشته آقای کرزی خود یکی از مخالفان اصلی احزاب در قدرت بود و حالا هم آقای غنی این اکت را پیش می‌برد، اما در صورتی که دولت‌مردان اهمیت احزاب را که اصل تمثیل دموکراسی در کشور است درک نکنند و یا آن را برنتابند، نمی‌توانیم سیاست وحشی در کشور را اهلی سازیم.

همچنان گزینش افراد جدید به جای افراد آلوده و فاسد در نهادهای انتخاباتی از طریق کمیته پیشنهادی گزینش، در صورتی که درست صورت گیرد، می‌تواند اعتماد از دست رفته را بار دیگر بازگرداند و مردم را به انتخابات امیدوار سازد. اما این هم واضح است که اصلاح نهادهای انتخاباتی و اصلاح نظام انتخاباتی و موقعیت دادن به احزاب، هرگز به نفع آنانی نیست که خیرشان را در گد و ود بودن وضعیت می‌بینند و فقط به تقلب چشم دوخته‌اند.

بنابراین هیچ منطقی برای عملی نشدن اصلاحات در نهادها و نظام انتخاباتی وجود ندارد و امیدواریم که ریاست‌جمهوری بیش از این پروسه اصلاح نظام انتخاباتی را به تعویق نیندازد. آقای غنی باید جرأت کند و اصلاحات انتخاباتی را به انتخابات گذشته پیوند نزند و برای آینده کشور، یک گام عملی و بنیادی بردارد.



سرنوشت افغانستانی‌ها در آلمان

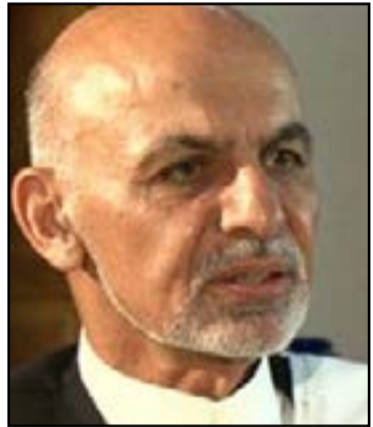


استراتژی غنی شکست خورد

عبدالحفیظ منصور

هند فرستاد تا رشته‌هایی را که پنبه کرده بود، دوباره بریسد. کار مبارزه با فساد را که از قضیه کابل‌بانک آغاز کرده بود، در تازه‌ترین مرحله به رسوایی انجامید، تا حدی که شکوه و شکایت نهادهای حقوقی و قضایی افغانستان بالا گردید و کشورهای خارجی لب به اعتراض گشودند. دوسیه‌های مربوط به مکتب‌های هوایی، بیمارستان‌های هوایی، شهدا و مجروحین هوایی به تاق نسیان سپرده شدند و از آن گرمی و حرارت چیزی برجا نماند.

این دو شکست استراتژیک افزون بر این‌که آقای غنی را در محافل سیاسی داخلی و خارجی به عنوان یک شخصیت حراف و بیمار معرفی داشته است، پایه سومی استراتژی‌اش را نیز به شدت تکان داده است. دیری نخواهد گذشت که با حضور اشخاص تازه در بخش‌های حساس حکومت، اقتدار شخصی و مفکوره انحصارطلبی قومی غنی نیز جا خالی کند.



طالبان ملا رسول:

سقوط کندز به هدف قدرت شخصی

ملا منصور بود

تابستان رهبری طالبان را بر عهده گرفت، نخواهد بود. عبدالمنان نیازی افزود: ما به تمامی افغان‌ها می‌گوییم که دیگر بس است و این برادرکشی باید متوقف شود. اجازه دهید بفهمیم که چه کسی عامل جنگ در افغانستان است و آن از کجا نشأت گرفته و چگونه باید آن را متوقف کرد. با این حال تا زمانی که تمام نیروهای آمریکایی و خارجی از کشورمان خارج نشده‌اند، نباید وارد هیچ مذاکره صلحی شد.



تشکیل این گروه تازه‌ترین نشانه تشدید اختلاف‌ها در داخل طالبان است که طی این سال‌ها با جدیت به کار خود ادامه داده است. برخی از فرماندهان طالبان از هسته مرکزی رهبری حزب که در کوئته پاکستان مستقر است، جدا شده و شخصاً به جذب حامیان مالی و اجرای عملیات اقدام کرده‌اند. برخی دیگر نیز به داعش ملحق شده‌اند. این اختلافات پس از اعلام مرگ ملا عمر و انتخاب منصور به عنوان جانشین رهبر طالبان بیشتر شد چرا که بسیاری از شبه‌نظامیان عدم انتشار خبر مرگ وی را در راستای منافع منصور می‌دانند.

این جناح جدید که ظاهراً با حضور چهره‌های بانفوذ طالبان تشکیل شده، به نظر می‌رسد که اولین جدایی‌طلبان رسمی از گروه طالبان از زمان تشکیل آن در اواسط دهه ۹۰ میلادی و به قدرت رسیدن در سال ۱۹۹۶ باشند. در دوران رژیم طالبان، رسول به عنوان فرماندار ولایت‌های نیمروز و فراه خدمت می‌کرد تا اینکه مداخله تحت رهبری امریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به رژیم طالبان پایان داد.

یک گروه جدایی‌طلب جدید طالبان از آمادگی خود برای مشارکت در مذاکرات صلح با دولت افغانستان خبر داده و گفته است که از تحصیل و کار زنان حمایت می‌کند. اگر چنین امری صحت داشته باشد، این گروه تفکراتی مجزا از هسته مرکزی طالبان دارد.

عبدالمنان نیازی، معاون این گروه جدایی‌طلب طالبان در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفت: اکنون متوجه شده‌ایم که طبق سیستم اسلامی تمام حقوق بشر هم زنان و هم مردان باید به صورت ۱۰۰ درصد اجرا شود. از این به بعد ما افغان‌ها به دنبال انتقام‌جویی نیستیم. حمله اخیر در کابل و تصرف قندوز در اواخر سپتامبر هم برای قدرت شخصی منصور (رهبر جدید طالبان) انجام شد. این گروه هفته گذشته پس از نشست شبه‌نظامیان طالبان در ولایت فراه در غرب افغانستان ظهور کرد و محمد رسول، فرماندار سابق طالبان به عنوان رهبر آن انتخاب شد. هنوز مشخص نیست که میزان حمایت‌ها از این شاخه نوپا تا چه اندازه است اما ظاهراً تهدیدی جدی برای رهبری اختر محمد منصور که

اجازه اقامت موقت

برکی می‌گوید که بسیاری از افغانستانی‌ها در آلمان بدون گرفتن پناهندگی اجازه اقامت دارند. به گفته او، این گروه از افغانستانی‌ها درخواست پناهندگی شان را پس می‌گیرند و در قبال آن اجازه اقامت دوساله دریافت می‌کنند. به گفته برکی، اگر آن‌ها بتوانند در عرض دوسال کار برای خودشان پیدا کنند و از کمک‌های اداره تأمین اجتماعی استفاده نکنند، اجازه اقامت دائمی دریافت می‌کنند.

تا به حال، فقط شمار اندکی از افغانستانی‌ها عودت داده شده اند، چون روند اخراج پروسه‌ی است که به زمان و هزینه زیاد نیاز دارد. برکی شخصاً از ده مورد اخراج شهروندان افغانستانی اطلاع دارد. او می‌گوید: «فقط آن‌هایی را که اعمال خلاف قانون انجام داده اند، اخراج کرده اند.» اما تغییراتی در جریان است، زیرا آلمان درباره تصویب یک موافقتنامه درباره بازپس‌گیری پناهجویان با افغانستانیستان در حال مذاکره است.

افزون بر این پروسه‌های پناهندگی باید در آینده طی سه هفته به اتمام برسد. به شکایت‌های احتمالی پناهجویانی که جواب رد گرفته اند نیز باید طی همین مهلت سه هفته‌ی رسیدگی شود. سازمان مدافع حقوق پناهندگان «پروازول» از حکومت آلمان به خاطر این تصمیم‌گیری انتقاد کرد. طبق اطلاعات این سازمان، آلمان در نظر دارد که پروسه تصمیم‌گیری اداره مهاجرت آلمان را به طور اساسی بازبینی کند.

گونتر بورکهارت، مدیر پروازول در مورد سرنوشت پناهجویان افغانستانی می‌گوید: «میزان قبولی کاهش خواهد یافت و حقوق آن‌ها سلب خواهد شد تا آن‌ها حاضر به ترک کشور شوند.» این سازمان می‌گوید که آلمان می‌خواهد با تصمیم به محدودیت حقوق پناهندگی آوارگان افغانستانی در این کشور، آن‌هایی را که تصمیم به ترک کشورشان دارند، پشیمان کند.

جای افغانستان امنیت ندارند.

برکی که اغلب برای پناهجویان ترجمانی می‌کند، می‌گوید: «تصمیم‌گیرنده‌گان می‌گویند، اگر شما در غرب افغانستان تحت تعقیب هستید، می‌توانید به کابل بروید.»

با این وجود سازمان‌های بین‌المللی بر این اصرار دارند که وضعیت امنیتی در افغانستان وخیم است و به این خاطر از زمانی که طالبان و گروه‌های افراطی دیگر در بسیاری از مناطق این کشور بمبگذاری می‌کنند، پیدا کردن راه حل به این سادگی نیست.

یوناما یا دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل از ۱۶۰۰ مورد مرگ افراد ملکی در نیمه نخست سال ۲۰۱۵ گزارش داده است. در ماه سپتامبر، طالبان شهر کندز را تصرف کردند. در حالی که این شهر پیش از این امن محسوب می‌شد.

ماندن در آلمان

به هر حال، کمی کمتر از ۵۰ درصد پناهجویان افغانستانی جواب مثبت گرفته اند. اما بسیاری از افغانستانی‌ها در آلمان «تحمل» می‌شوند، در حالی که برخی دیگر که جواب رد گرفته اند، برای کسب اجازه اقامت در آلمان به محکمه شکایت می‌کنند.

تصمیمات محکمه در آلمان نشان داده است که دوسیه هر پناهجو می‌تواند چقدر متفاوت باشد.

براساس حکم محکمه عالی در ایالت نیدرزاکسن، زنانی که در افغانستانیستان به سبک غربی زندگی می‌کردند، ممکن است در صورت عودت به کشورشان در معرض خشونت قرار گیرند و موازین حقوق بشر در مورد آن‌ها زیرپای گذاشته شود.

در یک مورد دیگر یک پناهجوی افغانستانی به دلیل گرویدن به دین مسیحیت اجازه اقامت گرفت. چون ممکن بود که او به خاطر تغییر مذهب در وطن‌اش مورد مجازات شدید قرار گیرد.

حکومت آلمان تصمیم گرفته که آوارگان سورایی را به عنوان پناهنده قبول کند، اما شمار بیشتری از افغانستانی‌ها را پس به کشورشان بفرستد. سازمان مدافع حقوق پناهندگان (پروازول) آلمان را متهم به محدودیت حقوق پناهندگان می‌کند.

شمار آوارگان افغانستانی که به آلمان می‌آیند، در حال افزایش است. فقط در ماه اکتوبر بیش از ۳۱ هزار آواره افغانستانی به آلمان رسیده اند و شمار کل آن‌ها در این سال به ۶۷ هزار تن می‌رسد.

آن‌ها پس از پناهجویان سورایی دومین گروه بزرگ آوارگان در آلمان هستند. اما حکومت آلمان قصد دارد سرازیری افغانستانی‌ها را محدود نماید.

معمولاً کارمندان اداره آلمان فدرال برای آوارگان و مهاجرت در مورد هر پناهجو جداگانه تصمیم می‌گیرند و پیش از قبولی یا رد درخواست او بررسی می‌کنند که آیا متقاضی واقعاً در کشورش تحت تعقیب است یا نه.

اما اگر تصمیم‌گیرنده‌گان شناخت صحیحی از منازعات سیاسی، قومی و مذهبی در افغانستان نداشته باشند، اغلب از مرکز اطلاعات برای پناهنده‌گی و مهاجرت کمک می‌گیرند که در یک شبکه جهانی متشکل از نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی (ان‌جی‌او) و شرکای محلی در بسیاری از کشورها به فعالیت مشغول است.

تفاوت‌های منطقه‌ی

متین بزکی، دانشمند علوم سیاسی که در دانشگاه ماربورگ آلمان تدریس می‌کند، اغلب در پروسه تصمیم‌گیری به مسئولان کمک می‌کند. او درباره پناهجویان افغانستانی می‌گوید: «اگر آن‌ها از مناطقی بیایند که به طور قسمی یا کامل توسط طالبان کنترل می‌شوند، شانس خوبی برای ماندن در این جا را دارند.»

بسیاری از مردم متعلق به قوم پشتون، تاجیک، هزاره و اقوام دیگر نمی‌توانند مسئولان آلمانی را قناعت دهند که در هیچ

استاد بیلتون در گذشت

پیش‌دچارش شده بود، در بیمارستانی در کابل درگذشت. بیلتون ۹۵ سال پیش در منطقه خوردکابل معروف به چکری، واقع جنوب شهر کابل به دنیا آمد و همانجا بزرگ شد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و خواهرش او را بزرگ کرد. او که به «استاد بیلتون» معروف بود، ابتدائی می‌نواخت و همچنین از نوازندگان توانای رباب و تنبور نیز بود. بعداً به آوازخوانی روی آورد. بیلتون، محلی‌خوان معروف افغانستان به زبانهای فارسی و پشتو سروده‌های فراوانی به میراث گذاشت.



مؤمن خان بیلتون لوگری، یکی از محلی‌خوانان معروف افغانستان، روز دوشنبه ۱۸ عقرب درگذشت. خانواده آقای بیلتون می‌گویند که او در اثر بیماری که از چندی

بازسازی علم مدرن و بازخوانی علم دینی

بخش هشتم و پایانی

مبنای اول: انکار ارزش معرفتی دانش شهودی و وحی است. این مرحله با اصل روشن‌گری مدرن پیوند خورده است. زیرا روشن‌گری هر نوع معرفت فراعقلی را انکار نمود و در صدد تبیین صرفاً مفهومی و عقلی جهان برآمد. پیوند روشن‌گری با این اصل موجب شد تا رویکرد رومان‌نویس‌های آلمانی به دانش شهودی، به عنوان رویکرد ضد مدرنیته شناخته شود. اصل دوم: انکار ارزش معرفتی خرد ناب و تنزل دادن عقلانیت به افق دانش تجربی و آزمون‌پذیر است.

پوزیتیویسم با دو مبنای سلبی فوق یعنی انکار مرجعیت عقل و وحی، علم را به گزاره‌های آزمون‌پذیر منحصر ساخت و این بخش از معرفت را مستقل از دیگر حوزه‌های معرفتی در نظر گرفت.

پست‌مدرن‌ها با تمرکز بر معنای پوزیتیویستی علم، استقلال مورد ادعای پوزیتیویست‌ها را مورد نقد قرار دادند و نقد استقلال مزبور بدون نقد دو مبنای سلبی یاد شده، سبب ظهور بحران در روشن‌گری مدرن و افول و بلکه زوال حقیقت علم شد.

پست‌مدرن‌ها نتوانسته‌اند دو مبنای سلبی پوزیتیویسم را به چالش کشانیده و از هویت علمی وحی و شهود و عقل نظری و عملی دفاع نمایند و به همین دلیل، نقد آن‌ها در محدوده نقادی معنای پوزیتیویستی علم باقی ماند و این مقدار از نقد گرچه دین و فرهنگ‌های دینی و از جمله دنیای اسلام را از ذیل فشار حاصل از ناحیه معنای پوزیتیویستی علم رهایی می‌بخشد، اما راه دفاع از هویت دینی علم و یا علم دینی و مقدس را هموار نمی‌کند.

الزامات علم قدسی

علم دینی و مقدس در صورتی امکان پیدا می‌کند که نقد خود را از محدوده تعریف پوزیتیویستی علم خارج کند و مفروضات و یا بنیان‌های پنهان اندیشه‌های پست‌مدرن را نیز به چالش کشد. منحصر دانستن علم به تعریف مقبولی که همه عمر آن به دو سده نمی‌رسد و نقد این معنای از علم راهگشا نیست. قبل از هر چیز باید انحصار مزبور درهم شکسته شود و حقیقت علم در لایه‌های عمیق‌تری که معنای تجربی و پوزیتیویستی آن بر آن‌ها بنیان نهاده شده نیز جست‌وجو شود.

متفکرین دنیای اسلام از دیرباز از سنگرهای عقلانی و وحیانی علم نیز دفاع کرده‌اند و بر این اساس، زمینه‌های تکوین علم تجربی و حسی را نیز هموار ساخته‌اند. پذیرش وحی و مرجعیت علمی آن، موجب شده است تا در حاشیه وحی نوعی از نقل که مبتنی بر وحی است نیز به حوزه عقلانیت اسلامی وارد شده و بخش گسترده‌تری از دانش‌های نقلی را پدید آورد، بدون آن‌که در هویت علمی این دسته از



پیلۀ تنهایی را پاره کنید

بخش دوم و پایانی



ایده‌آل‌ترین روش برای به‌کار بستن در زنده‌گی، تلفیقی از درون‌گرایی و برون‌گرایی است. می‌توانید به کمک مهارت‌های اجتماعی افرادی برون‌گرا، و آرامش ذهن و نظم و ترتیب افراد درون‌گرا، از زنده‌گی خود لذت برده و حداکثر استفاده را از توانایی‌های خود ببرید

نادیا صالح ثابت

برون‌گرایی را در خود تقویت کنید

شما می‌توانید بدون این‌که دست به تغییر شخصیت خود بزنید، فقط با برداشتن چند گام ساده، مهارت‌های برون‌گرایی را در درون‌تان ایجاد کرده و تقویت کنید. برای شروع و در اولین گام، باید سعی کنید بیشتر وقت خود را با دیگران بگذرانید. اگر احساس می‌کنید با قرار گرفتن در موقعیت‌هایی که به معاشرت با تعداد زیادی از افراد نیاز دارد، تحت فشار قرار می‌گیرید و معذب می‌شوید، مطمئن باشید که این موضوع زیاد ارتباطی به ساختار شخصیتی شما ندارد و تنها به این دلیل است که تجربه حضور در چنین موقعیت‌هایی را نداشته‌اید. برای برداشتن گام اول ابتدا به یک پیش‌گام احتیاج دارید. به دلیل این‌که شما تا به حال فردی برون‌گرا نبودید. برای ملاقات و معاشرت با دیگران انگیزه لازم را نداشته‌اید و تا زمانی که این انگیزه در شما ایجاد نشود، نمی‌توانید برون‌گرا شوید.

اگر در چنین حلقه‌ای از وابستگی‌های گرفتار شوید، برای خلاص شدن و شکستن آن، دو راه بیشتر ندارید:

- ۱- به دنبال فعالیت‌های گروهی مورد علاقه خود بگردید؛
- ۲- پیلۀ تنهایی را که به دور خود تنیده‌اید، پاره کنید.

پیلۀ تنهایی خود را پاره کنید

در درون تمام افراد درون‌گرا، ترسی ناخودآگاه نسبت به قرار گرفتن در محیط‌های اجتماعی وجود دارد. راهکار دومی که به شما پیشنهاد می‌کنیم این است که این ترس‌ها را دور بریزید. همه افراد برای خود یک حریم خصوصی دارند که در مورد افرادی که به شدت برون‌گرا هستند، این حریم محدود شده و زیاد به چشم نمی‌آید. اما افراد درون‌گرا برای خود حریم خصوصی گسترده‌تری قابل هستند. پس در نتیجه برای این‌که فردی اجتماعی باشید، باید این حریم خصوصی را محدود کنید و زیاد خود را در پیلۀ تنهایی‌تان محصور نکنید. اگر یک بار دست به این کار بزنید، تکرار آن برای‌تان راحت‌تر خواهد شد. به طور مثال، اگر تازه به یک ساختمان نقل مکان کرده‌اید و مواجهه با همسایه‌های جدید چندان هم کار ساده‌یی به نظر نمی‌آید، برای غلبه بر این ترس می‌توانید هر روز صبح شما برای سلام کردن پیش‌قدم شوید. البته لازم به ذکر است که لازم نیست از همان شروع کار، گام‌های بیش از حد بلندی بردارید. همیشه مسیرهای جدید را با گام‌های کوتاه شروع کنید تا رفته رفته به شرایط جدید عادت کنید.

لذت درون‌گرایی

در آخر اگر از حق‌نگذیریم، در درون‌گرایی لذتی هست که در برون‌گرایی نیست. شما به عنوان یک فرد درون‌گرا می‌توانید از کارایی خود حداکثر استفاده را ببرید. هم‌چنین خلوت تنهایی بهترین فضا برای تفکر و کارهای خلاقانه است. پس این درون‌گرا بودن چندان هم بد نیست و باعث افزایش و ارتقای مهارت‌های دیگر شما می‌شود.

ایده‌آل‌ترین روش برای به‌کار بستن در زنده‌گی، تلفیقی از درون‌گرایی و برون‌گرایی است. می‌توانید به کمک مهارت‌های اجتماعی افرادی برون‌گرا، و آرامش ذهن و نظم و ترتیب افراد درون‌گرا، از زنده‌گی خود لذت برده و حداکثر استفاده را از توانایی‌های خود ببرید.

برون‌گراها و درون‌گراها

برون‌گرایی و درون‌گرایی اصطلاحاتی است که «یونگ» وضع کرده و حاکی از دو نوع شخصیت متناقض است. فعالیت کلی با شوق و کشش در شخص برون‌گرا، آفاقی (یعنی متوجه دنیای خارج) و در درون‌گرا انفسی (متوجه درون شخص) است.

هر فردی به این دو متمایل است؛ اما همواره بر اثر محیط و خصوصیات خلقی، یکی بر دیگری چیره‌گی دارد و به نحو بارزی آشکار می‌شود. برون‌گرایی حاد، فرار نامعقول و غیرمنطقی از نفس و نمایش دادن احساسات در جمع است (مانند عقب‌نشینی به دنیای درون است) و در این حال، خیال‌بافی جان‌شین واقع‌بینی می‌شود.

معارف نیز تردید شود. به‌راستی جای این پرسش باقی است که لفظ علم و عقل در تعابیر دینی در فرهنگ و تمدن اسلامی به چه معنا به کار برده می‌شود و به چه دلیل الفاظ مربوط به آن معانی، اینک در حاشیه آموزش‌های مدرن باید در خدمت مفاهیم محدود و مقیدی قرار گیرند که نسبتی سازگار با مفاهیم دینی و تمدنی دنیای اسلام ندارند.

متفکرین مسلمان در جهت احیای علم دینی ضمن به چالش کشاندن مبانی و اصول معرفتی دنیای مدرن خصوصاً آن دسته از مبانی عامی که به صورت آشکار یا پنهان مورد قبول فلسفه‌های پست‌مدرن نیز قرار گرفته، باید پاسخ‌گوی نقدها و چالش‌هایی نیز باشند که از ناحیه متفکرین غربی متوجه مبانی معرفت و علم دینی شده است.

حضور متفکرین مسلمان در چنین عرصه‌یی، بعد منطقی و جنبه نظری مسأله را تأمین می‌کند و سنگرهای علمی فرهنگ و تمدن اسلامی را استحکام می‌بخشد.

پی‌نوشت:

این مقاله در کنفرانس بین‌المللی «آینده گفت‌وگوی دین و علم» (The future of Religion - Science dialogue) در سیزدهم دسامبر سال ۲۰۰۶ در دانشگاه پارامدینه جاکارتا ارایه شده است.

منابع:

- ۱- آرون، ریمون (۱۳۶۴) مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. باقر پرهام. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- ۲- ابن سینا (بی‌تا) الالهیات من الشفاء. قم: انتشارات بیدار
- ۳- ابن سینا (۱۹۵۶) الشفاء، المنطق، البرهان، تصدیق و مراجعه: الدكتور ابراهیم مذكور. تحقیق: الدكتور ابوالعلا. عقیفی. نشر وزارة التربية و التعليم. قاهره
- ۴- ابن سینا. (۱۴۰۴ق) التعليقات. قم. مطبعة الاعلام الاسلامی
- ۵- بهمن‌یار بن مرزبان. (۱۳۷۵). التخصیص. تصحیح و تعلیق مرتضی مطهری. تهران: دانشگاه تهران
- ۶- پارسانیا، حمید (۱۳۸۵). سنت، ایدیولوژی، علم. قم: بوستان کتاب
- ۷- پارسانیا، حمید. (۱۳۷۹). علم و فلسفه. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- ۸- پالمرو، ریچارد ا. (۱۳۷۷). علم هرمونوتیک. سعید حنایی کاشانی. تهران: شهر کتاب و هرمس
- ۹- پرهام، باقر. (۱۳۷۸). میشل فوکو، نظم گفتار: درس افتتاحی در کالج دوفرانس. تهران: آگاه
- ۱۰- پوپر، ک. ر. (۱۳۳۸). حدس‌ها و ابطال‌ها: رشد شناخت علمی. احمد آرام. شرکت سهامی انتشار

نویسنده: پارسانیا

اگر دین تبیین علمی خود را بر اساس دیدگاه‌های پست‌مدرن و با استفاده از بنیان‌های معرفتی آن سازمان دهد، در این حال گرچه به‌ظاهر فاصله بین دو حلقه معرفت دینی و معرفت علمی را برداشته و علم دینی به تبیین پدیده‌های هستی و از جمله دین می‌پردازد، ولی این تبیین تنها به عنوان یکی از تفاسیر ممکن در عرض دیگر تفاسیر متقابل و گاه مخالف قرار می‌گیرد، بدون این‌که دلیل و معیاری برای توزین و داوری بین آن‌ها باقی مانده باشد.

بر مبنای اندیشه‌های پست‌مدرن، حضور دین و یا دیگر حلقه‌های معرفتی و فرهنگی نظیر اسطوره، ایدیولوژی، فلسفه و یا اقتدار در ساختار معرفت علمی تنها به این دلیل است که علم، ارزش جهان‌شناختی و به تعبیر بهتر ارزش کشف و واقع‌نمایی خود را از دست داده و به صورت دانشی ابزاری در یکی از سطوح نازل فرهنگ بشری قرار می‌گیرد و علم دینی اگر در همین چهارچوب معنایی، سازمان یابد، بدون شک هویتی ابزاری، بشری پیدا می‌کند؛ زیرا چنین علمی نیز به عنوان یکی از پدیده‌های فرهنگی و تاریخی بشر شناخته می‌شود که بر مبنای بعضی از اشکال و صور فرهنگی آن سازمان یافته است.

اندیشمندان دینی اگر اصول و مبانی فیلسوفان پست‌مدرن را که در حقیقت برخی از مبانی اساسی نگرش پوزیتیویستی به علم نیز هست، بپذیرند، در نخستین گام تلاش علمی خود، به واپسین مقامی سقوط خواهند کرد که معرفت و آگاهی مدرن پس از چند سده به آن راه یافته است و آن اعلان پایان روشن‌گری و سیطره فراگیر شکاکیت، نسبت و تاریخی‌نگری محض است.

وجوه اشتراک و امتیاز تفاسیر مدرن و پست‌مدرن از علم

اصل مشترکی که دیدگاه‌های پوزیتیویستی و پست‌مدرن از آن استفاده می‌کنند و همین اصل اندیشه‌های پست‌مدرن را به سوی شکاکیت سوق داده است، انکار هویت علمی و ارزش جهان‌شناختی سایر حلقه‌های معرفتی است. پوزیتیویسم در بستر اندیشه‌های مدرن، با دو مبنای معرفتی مهم سازمان یافت.

اسلام در روزگار ما از هر دین دیگری محکوم و بی‌دفاع است. هر که قلم و قدمی در برابر اسلام برمی‌دارد، پاداش و معاش هنگفتی فراچنگ می‌آورد و کف و دف‌های زیادی برای وی نواخته می‌شود. ایستادن در برابر ارزش‌ها و دستورات اصیل اسلامی، و کافرکشی‌های نابخردانه به رسم روشن‌فکری مبدل شده است و برای روشن‌فکر خوانده‌شدن باید از مرزهای اعتقادی و ارزشی دین فراتر رفت و خطوط سرخ آن را عبور کرد. کسانی ناآگاهانه بر اسلام می‌تازند و شماری نیز جاهلانه از آن به دفاع برمی‌خیزند و دوستی نابخردانه خویش را در معرض دید عمومی قرار می‌دهند. یکی نفهمیده می‌تازد و دیگری نادانسته تحسین می‌کند. نه این می‌داند چه می‌کند و نه آن دیگری از ماهیت و نتیجه آن چه می‌کند، واقف است. این که کی‌ها چه می‌کنند زیاد با اهمیت نیست، بلکه ارزش‌هایی که به مسلخ برده می‌شوند و سر زده می‌شوند، بسیار با ارزش‌اند. آن چه در این میانه قربانی می‌شود اسلام است، دینی که بزرگترین تحول تاریخ بشری را رقم زد و هیچ منطقی به پای منطق آن نمی‌رسد.

تیرهای زیادی اسلام را آماج قرار داده‌اند که یکی هم مسأله تعدد زوجات یا چندهمسری در اسلام است. شماری با همان اداهای روشنفکرانه و با تغذیه از منابع فمینیستی غرب، بر اسلام و اباحت چندهمسری در آن می‌تازند و در این مصاف، تسامحی از خود نشان نمی‌دهند. این درحالی‌ست که در برابر غرب و ناهنجاری‌های آن - که دانشمندانی از خود غرب بدان اعتراف دارند - چشم‌پسته می‌گذرند و واقعیت‌ها را نادیده می‌انگارند.

پرسش خیز بودن مسأله چندهمسری در اسلام - به ویژه برای هم‌نسلان ما - باعث شد تا زوایای پنهان دینی و اجتماعی آن را مورد کاوش قرار دهم و ریشه‌های آن را در نصوص دینی نشان‌دهی کنم. در این نوشتار سعی شده است تا موضوع چندهمسری به صورت علمی و تحقیقی مورد بحث قرار گیرد و علی‌رغم ایجاز و اختصار، جنبه‌های مختلف این موضوع فرو گذاشت نگردد. افزون بر این‌ها، نویسنده تلاش ورزیده است تا چندهمسری را از دیدهای گوناگونی مورد کاوش قرار دهد و علی‌رغم توجه به فقهای متقدم، نظریه اندیشمندان معاصر را نیز نادیده نینگارد. جستاری که پیش‌رو دارید، نکات تازه و درخور اهمیتی دارد که برای خواننده‌گان گرامی سودمند خواهد بود.

پیشینه چندهمسری

چندهمسری به این معناست که مردی دارای چندین همسر باشد و یا همسران یک مرد چند یا چندین تن باشند. چندهمسری دارای پیشینه دورودرازی است که تاریخ به آن گواهی می‌دهد. این واقعیت در ایران قدیم، چین، هند و مصر وجود داشته و تقریباً در همه ادیان آسمانی قبل از اسلام نیز مورد پذیرش بوده است. در دین یهودیت تا قرن یازدهم هیچ محدودیتی برای چندهمسری وجود نداشت و در مسیحیت نیز حکم صریحی مبنی بر تحریم چندهمسری به چشم نمی‌خورد؛ اما تصریح شده است که برخی پادشاهان زنان متعددی داشته‌اند. بر اساس یکی از پژوهش‌ها، چندهمسری در تقریباً ۶۷ درصد جوامع رواج داشته و در غرب نیز چندهمسری به صورت اعلان‌ناشده و به عنوان واقعیتی اجتماعی حضور دارد.

چندهمسری در میان ادیان و اقوام گوناگون وجود داشته و تقریباً هم‌پای حیات اجتماعی انسان دانسته می‌شود. این سنت در میان عرب‌ها نیز قبل از اسلام وجود داشته که تاریخ نمونه‌های بسیاری از آن در حافظه دارد. ویل دورانت می‌نویسد:

علمای دینی در قرون وسطا چنین تصور می‌کردند که تعدد زوجات از ابتکارات پیغمبر اسلام است، در صورتی‌که جریان همسری در اجتماعات ابتدایی، بیشتر مطابق آن (تعدد زوجات) بوده است. به همین‌سان، گوستاولوبون نیز تأکید دارد که رسم چندهمسری پیش از اسلام و در میان اقوام شرقی شایع بوده است. در این میان، ولتر به این نظر است که محمد ص دست به تحدید تعدد زوجات زد و شمار زنان را به چهار زن تقلیل بخشید.

چندهمسری

یا تک همسری

در اسلام



شماره زنان آن‌ها وجود نداشت، اسلام شمار آن‌ها را به چهار زن محدود ساخت و برای آن حداکثر تعیین نمود. امضای حکم چندهمسری ممکن است برای کسی که از عینک امروز و از ورای ارزش‌های امروزی به قضیه می‌نگرد عجیب به نظر آید، اما پذیرش آن به عنوان حکم ثانوی و امضایی در عصری که حد و حصری برای زنان وجود نداشت، انقلاب بزرگی بود که اسلام در تاریخ رقم زد.

اسلام افزون بر آن که شماره زنان را به حداکثر چهار زن تحدید بخشید، شرط سنگین عدالت را نیز بر آن اضافه کرد. شرط اجرای عدالت در میان همسران، آن‌هم در عصری که زنان همچون اموال دست به دست می‌شدند و هیچ حق و حرمتی به آن‌ها گذاشته نمی‌شد، دگردگونی بزرگی بود که به نام اسلام در صفحات تاریخ به ثبت رسیده است. اسلام توصیه به چندهمسری نکرده، بلکه آن را به عنوان یک واقعیت، با شرایط خردکننده‌ی تجویز نموده است.

در روایتی آمده است: قَالَ وَهَبِ الْأَسْدِيَّ - قَالَ أَسْلَمْتُ وَعَنْدِي ثَمَانُ نِسْوَةٍ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «اخْتَرِي مِنْهُنَّ أَرْبَعًا». وهب الأَسدي می‌گوید: من اسلام آوردم در حالی که هشت زن در عقد خویش داشتم، و این مسأله را به پیامبر ص یادآور شدم. رسول‌الله گفتند: از میان آنان فقط چهارتن شان را اختیار کن!

قیس بن الحارث و قیس بن ثابت نیز یک‌چنین روایاتی دارند و روایات دیگری نیز وجود دارد که بر وجود فرهنگ چندهمسری در میان عرب‌های قبل از اسلام دلالت دارد.

با این بیان، دین مقدس اسلام رسم چندهمسری را تأسیس نکرده، بلکه این رسم را که پیش از اسلام وجود داشته است، با ایراد تعدیلاتی در تعداد همسرها و آویختن قفل سنگین عدالت بر آن، امضا کرده است. در عصری که مردان حق داشتند ده‌ها و حتا صدها زن داشته باشند و هیچ حد و حصری در

تعداد همسران

در رابطه به این که شمار خانم‌های یک مرد می‌تواند به چه تعداد باشد، دید واحدی وجود ندارد. آیه سوم سوره نساء که در مورد چندهمسری آمده است، تفسیرهای مختلفی را برمی‌تابد که زمینه‌های دید واحد را برچیده است.

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَفْسُقُوا فِي اللَّيَامِي فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أُذُنِي أَلَّا تَعْوَلُوا﴾ [نساء: ۳]

ترجمه: و اگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آن‌ها هستید استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند.

برخی‌ها «واو» را در آیه «فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ» برای جمع گرفته‌اند که در آن صورت، حداکثر زنانی که ممکن است به قید نکاح یک مرد درآید، به ۹ و یا ۱۸ تن می‌رسد. اگر کلمات «مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ» به معنای دوتا، سه‌تا و چهارتا گرفته شود و «واو» میان آن‌ها نیز برای جمع باشد، شمار زنانی که به قید نکاح یک مرد درمی‌آیند، به ۹ تن می‌رسند. اما اگر کلمات مزبور به معنای دو دو، سه سه و چهار چهار به کار رفته باشد، این تعداد به هجده تن خواهد رسید. یعنی در صورت اول یک مرد می‌تواند حداکثر با ۹ زن، در صورت دوم با ۱۸ زن هم‌زمان نکاح کند.

در این میان، برخی‌ها «واو» میان مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ را عطفی گفته‌اند و برآنند که داشتن دو همسر، سه همسر و چهار همسر فقط به لحاظ حکم (اباحت) بر یکدیگر عطف شده‌اند و این بدان معنا نیست که موارد عطف‌شده در عدد یکی‌اند. بلکه این یکسانی در حکم اباحت ازدواج با دو، سه و یا چهار زن است، نه در جمع میان این اعداد.

در دیدگاه دیگر، «واو» برای تخییر گرفته شده و معنای «یا» را افاده می‌کند. این دیدگاه که نظریه اکثریت دانشمندان است، عنان اختیار را در رابطه به ازدواج با دو زن، سه زن و یا چهار زن، به مرد واگذار می‌کند و دست او را در این زمینه باز می‌گذارد. برخی دیگر، مقتضای آیه را تحریم مازاد گفته‌اند و این که تعیین تعدد همسران به حداکثر چهار زن، به معنای تحریم مازاد است؛ یعنی مرد نمی‌تواند بیش از چهار زن را در عقد نکاح خویش داشته باشد و آیه کریمه دقیقاً بر همین مسأله ناظر است.

در این میان، برخی معاصرین پنداشته‌اند که آیه کریمه بیانگر تحدید حکم چندهمسری بوده است نه بیان اباحت آن؛ اینان به موقعیت نزول آیه مزبور چشم دوخته‌اند و نزول آیه را بعد از غزوه احد، دایر بر حالت اضطرار نسبت به زنان بی‌سرپرست تلقی کرده‌اند. توضیح این که، آیه فوق بعد از غزوه احد نازل گردیده و معطوف به اوضاع و احوال خاصی است که در آن زنان شماری از صحابه بی‌سرپرست می‌شوند و برای برون‌رفت از آن وضعیت، چندهمسری به عنوان راه‌حل مقطعی و متناسب با آن شرایط و احوال تجویز می‌شود. بنابراین، تعمیم آن به کل زمانه‌ها و در تمامی شرایط و احوال مؤوجه به نظر نمی‌رسد. این رویکرد توجیه چندانی ندارد. زیرا اعتبار به عموم لفظ داده می‌شود و تحدید عمومیت لفظ در حد اسباب خصوصی آن ناموجه است.

شرط عدالت

چندهمسری در اسلام با تحدید در عدد و شرط عدالت همراه بوده است. اسلام از یک‌سو بر تحدید کمی چندهمسری انگشت نهاده و از سوی، عدالت را شرط لازم چندهمسری به حساب آورده است. قید «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» نشان می‌دهد که عدم خوف از تأمین عدالت، شرط اباحت چندهمسری است.

عدالت نه تنها در رابطه با همسران، که در تمام شئون زنده‌گی یک اصل است و یکی از اهداف پیامبران الهی نیز تأمین عدالت میان مردم بوده است [حدید: ۲۵]. به همین‌سان، عدالت میان همسران از مواردی‌ست که اختصاصاً در قرآن بدان توصیه شده است و عدم عدالت، مساوی با عدم اباحت چندهمسری قرار گرفته است.

وزارت ارشاد، حج و اوقاف:

در چهارده سال گذشته

بیشتر از صد عالم دینی ترور شده اند

هارون مجیدی

وزارت ارشاد، حج و اوقاف می‌گوید که طی چهارده سال گذشته بیشتر از صد تن از علمای دینی افغانستان به گونه‌های مختلف ترور شده اند.

معاون این وزارت تأکید می‌کند، پشتیبانی بی‌پسینه علمای دینی از نظامیان افغانستان و حمایت از مسایل ملی سبب شده تا مصونیت جانی آنان به‌خطر بیفتد. از سوی دیگر، شماری از آگاهان دینی و نمایندگان مجلس می‌گویند که دولت افغانستان باید در زمینه تأمین امنیت عالمانی که مردم را به‌اعتدال و صلح دعوت می‌کنند، توجه بیشتر کند.

در جریان چند ماه گذشته، چند تن از علمای دینی در افغانستان به‌شکل مرموزی ترور شدند که در تازه‌ترین مورد مولوی غلام جیلانی عرفانی، یکی از عالمان با نفوذ دینی ولایت غزنی، از اثر انفجار ماین مقناطیسی کشته شد.

به‌گفته شهروندان غزنی، مولوی غلام جیلانی عرفانی، یکی از عالمان با نفوذ دینی بود که بیشتر مردم را به وحدت و همدلی و درس و آموزش دعوت می‌کرد. این عالم دین صاحب‌امتیاز رادیوی محلی سعادت نیز بود. این رادیو برنامه‌های مذهبی را پخش می‌کرد.

تا اکنون انگیزه اصلی این قتل روشن نیست و گروه و یا فردی نیز مسوولیت آن را به‌دوش نگرفته؛ اما برخی از رسانه‌ها گزارش داده اند که رادیوی سعادت، از سیاست جنگ‌جویانه گروه طالبان انتقاد می‌کرد و حملات انتحاری را نیز حرام اعلام کرده بود.

اعضای شورای ولایتی غزنی گفته اند که مولوی جیلانی عرفانی از سوی مخالفین دولت کشته شده است؛ زیرا او یک عالم دینی روشن‌فکر بود و مردم را به‌وحدت و یک‌پارچه‌گی دعوت می‌کرد.

عبدالجامع جامع معاون شورای ولایتی غزنی به‌رسانه‌ها گفته، در طی چند سال اخیر، بیش از ۲۰ عالم دینی در سطح ولایت غزنی به‌قتل رسیده اند که اکثر مخالفان دولت در قتل آنان نقش داشته است.

داعی‌الحق عابد معین وزارت حج و اوقاف در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار با بیان این‌که علمای دینی افغانستان در سه نهاد (وزارت معارف، شورای علما و وزارت حج و اوقاف)، تقسیم شده اند، می‌گوید: طی چهارده سال گذشته، افغانستان بیشترین شخصیت‌های دینی و مذهبی خود را از دست داده است.

ماین رومی در ادامه...

منطقه‌ی ماین‌پاکی بود. سال گذشته این نشست در ایران برگزار شد. هدف از برگزاری این نشست‌ها، تبادل اطلاعات و تجارب در زمینه ماین‌پاکی در منطقه است. افغانستان، ایران، تاجیکستان و آذربایجان اعضای این نشست اند.

ویس‌احمد برمک، وزیر دولت در امور مبارزه با حوادث که برنامه ماین‌پاکی بخشی از کار این اداره است، می‌گوید که برنامه ماین‌پاکی با کمبود بودجه مواجه است و اگر نهادهای بین‌المللی به این برنامه

واکنش‌ها به سربریدن هفت...

ریاست جمهوری افغانستان با نشر اعلامیه‌ی سربریدن این هفت تن را محکوم کرده و آن را نشانه شکست «دشمنان مردم افغانستان» خوانده است. در اعلامیه آمده است: «رییس جمهوری اسلامی افغانستان به خاطر پی‌گیری و مجازات عاملین این جنایت بزرگ و غم‌شریکی و دلجویی به خانواده های قربانیان، امروز(دیروز) جلسه فوق‌العاده امنیتی را دایر می‌کند.» اعلامیه گفته است که تروریستان در برابر نیروهای امنیتی شکست خورده‌اند و حالا دست به سر بریدن کودکان و زنان بی‌گناه می‌زنند.

در همین حال نمایندگان پارلمان افغانستان گفتند که تروریستان دشمنان تمام اقوام افغانستان هستند و این گروه‌ها دین و مذهب و قوم نمی‌شناسند. شماری از نمایندگان گفتند که داعش در ولایت ننگرهار نیز جنایات بشری انجام داده‌اند.

محمد نذیر احمدلزی معاون مجلس روز دوشنبه سربریدن این هفت تن را غیراسلامی خواند و گفت: «به آن‌ها هشدار می‌دهیم که به هیچ صورت بین اقوام افغانستان جدایی آورده نمی‌توانند. این عمل را ما

به‌گفته معین وزارت حج و اوقاف، بیشتر این ترورها در ولایات جنوبی افغانستان صورت گرفته است.

آقای عابد می‌گوید: طی یک‌سال گذشته، تنها در ولایت قندهار سه رییس حج و اوقاف خود را پی هم از دست دادیم.

ولایات غزنی، لوگر، هرات و قندهار از جمله ولایاتی بوده‌اند که به‌گفته معین وزارت حج و اوقاف، طی سال‌های گذشته شاهد ترورهای بیشتر علمای دینی بوده است.

آقای عابد می‌گوید: «دشمنان مردم افغانستان می‌خواهند که علمای جید و کسانی را که با آنان در تماس نیستند، به‌شهادت برسانند.»

معین وزارت حج و اوقاف خاطر نشان می‌کند: «بارها از نهادهای امنیتی تقاضا کرده‌ایم تا در قسمت تأمین امنیت علما که در جامعه افغانستان نقش مهمی دارند، توجه جدی داشته باشند؛ اما تا هنوز کدام اقدام ملموسی برای تأمین امنیت علما صورت نگرفته است.»

آقای عابد تصریح می‌کند که در سال‌روان شمار ترور علمای دینی اندک بوده، اما می‌گوید: طی چهارده سال گذشته، بیشتر از صد تن از علمای کشور به‌گونه‌های مختلف ترور شده‌اند.

آقای عابد خاطر نشان می‌کند: امسال تمامی علمای افغانستان موقف بسیار صریح و روشن در برابر مخالفین دولت و مسایل ملی افغانستان گرفتند که با این موقف‌گیری‌ها، مصونیت جانی آنان با خطر مواجه شده است.

داعی‌الحق عابد اما می‌گوید که با ترور علما عزم آنان تضعیف نمی‌شود و آنان قوی‌تر از گذشته در برابر مخالفین ایستاد خواهند شد.

در این حال، کمال‌الدین حامد آگاه دینی و استاد دانشگاه می‌گوید: دیدگاه افراطی‌بی که در عقب گروه‌های تندرو در کل جهان اسلام به‌ویژه شرق میانه وجود دارد، به‌حدی منسجم و تقسیم شده به سیاه و سفید است که به‌ساده‌گی می‌توانند نظام سیاسی، اصناف مختلف مردم و علمای دینی را نشانه بگیرند و از میان بردن آنان را یک نوع جهاد و مبارزه مشروع تلقی کنند.

آقای حامد می‌افزاید: دشمنان مردم افغانستان علمای دینی را به‌خاطری ترور می‌کنند تا ایدئولوژی تندروانه و افراطی آنان از نقد محفوظ باشد که نقد دیدگاه‌های گروه‌های تندرو توسط علمای دینی با استقبال عامه رو

کمک نکنند، برنامه پاک‌سازی افغانستان از وجود ماین‌ها تا سال ۲۰۲۳ با چالش مواجه خواهد شد.

آقای برمک می‌گوید که در جریان ۲۶ سال گذشته، حدود ۸۰ درصد جغرافیای افغانستان از وجود ماین‌ها و مواد انفجاری جامانده از دوران جنگ‌ها پاک‌سازی شده و حدود ۲۰ درصد دیگر آن که شامل چهار هزار ساحه است، تا سال ۲۰۲۳ پاک‌سازی خواهند شد.

بر بنیاد آمارهای این اداره، در هر ماه حدود ۱۰۰ غیرنظامی در نتیجه انفجار ماین‌های کنار جاده‌ی و دیگر مواد انفجاری جاسازی شده کشته و زخمی

محکوم می‌کنیم و از حکومت می‌خواهیم که عاملان این قضیه براساس قوانین جزا دهد.»

«عاملان قضیه مجازات می‌شوند»

عبدالله عبدالله رییس اجراییه حکومت نیز با نشر اعلامیه‌ی سربریدن این هفت تن را محکوم کرده و تأکید کرده است که دشمنان افغانستان به هدف شان برای نفاق قومی نمی‌رسند.

اعلامیه این عمل تروریستان را وحشتناک خوانده و گفته است: «دشمنان وحشی به هیچ کسی، حتی به کودکان افغانستان رحم ندارند و در هر جا و هر مکان که دست شان برسد، فقط جنایت خلق می‌کنند. این نخستین بار نیست که تروریستان در قالب‌های گوناگون به نام طالب، داعش و القاعده از ملت ما قربانی می‌گیرند و هموطنان ما را به طور ظالمانه و وحشیانه شهید می‌کنند.»

داکتر عبدالله گفته است که این تروریستان مورد تعقیب قرار خواهند گرفت: «اعلام می‌داریم که دولت، جنایت‌کارانی را که این حادثه تکان دهنده را رقم زده‌اند، تحت تعقیب قرار داده و به زودی به سزای اعمال شان می‌رساند.»

رأی‌زنی ناتو درباره...

از مناطق و فساد، کار تقویت تدابیر امنیتی را دشوارتر می‌سازد اما اگر ما به حضور خود در این کشور ادامه ندهیم، آنها گرفتار گردابی خواهند شد و این خطر جدی وجود دارد که آنها از هم گسسته شوند.

قرار است وزرای کشورهای عضو ناتو اوایل دسامبر سال جاری میلادی با یکدیگر دیدار کرده و درباره آینده ماموریت «حمایت قاطع» حول محور آموزش، مشورت و کمک به نیروهای امنیتی و دولتی افغانستان تصمیم‌گیری کنند.

به طور رسمی این توافق ناتو - آمریکا بدون حد و بی‌انتهاست اما در واقع آینده این توافق به تمایل کشورهای عضو ناتو برای اعزام و حفظ نیرو و تامین منابع بستگی دارد.

به دنبال اطلاعیه واشنگتن درخصوص افزایش تعداد نیروهایش در افغانستان تا آخر سال ۲۰۱۶ میلادی با توجه به وخیم‌تر شدن شرایط امنیتی، مقامات نسبت به استراتژی شرکای ناتو و متحدان احساس خستگی و تردید خود را ابراز کردند.

یکی از دیپلمات‌های ناتو در بروکسل که خواست نامش فاش نشود، گفت: هیچ‌کس از این روند خوشحال نیست. نیروهای ناتو نمی‌توانند تا ابد به کمک‌های خود ادامه دهند. در حال حاضر ما بیشتر از آنچه که می‌خواهیم، به آنها کمک می‌کنیم.

با این حال به نظر نمی‌آید که هیچ‌یک از اعضای ناتو اعزام نیروهای بیشتر به افغانستان را پیشنهاد کنند.

در حال حاضر کمتر از ۱۴ هزار نیروی ائتلافی در افغانستان وجود دارند در حالی که در سال‌های گذشته تعداد این نیروها ۱۴۰ هزار تن بود.

در همین حال سخنگوی شورای امنیت ملی افغانستان گفت: دولت افغانستان از ماموریت «حمایت قاطع» که ثابت کرده بسیار موفقیت‌آمیز بوده، بسیار خوشحال است. ما امیدواریم کشورهای دوست تا زمانی که تهدیدهای تروریستی در افغانستان نابود شوند، به حمایت خود ادامه دهند.

با این حال نینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو اخیراً اعلام کرد: ما وارد یک ماموریت جنگی جدید نخواهیم شد.

کمیسیون حقیقت یاب...

۲۰ صفحه‌ی آماده کرده و آن را به حکومت ارائه کردند. به گفته این عضو کمیسیون حقیقت‌یاب، این کمیسیون در روزهای آینده طی یک کنفرانس مطبوعاتی گزارش ۲۰ صفحه‌ی خویش را با مردم شریک خواهند ساخت.

محمدی دلیل تاخیر اعلام گزارش را کوتاهی حکومت ندانسته، بل بیماری پدرفاروق وردک عنوان کرده گفت: پدر فاروق وردک بیمار است و به همین دلیل آقای وردک از کمیسیون اجازه گرفتند که پدرشان را برای تداوی می‌برند.

اما داکتر فاطمه عزیز نماینده مردم کندز در مجلس می‌گوید: کل موضوع وابسته به فاروق وردک نیست که گزارش را معطل او کرده‌اند؛ درحالی‌که این کمیسیون دو رییس دارد.

بانو عزیز تأکید کرد: صدها نفر در کندز بی‌پدر، بی‌مادر و بی‌خانمان شدند، اما این کمیسیون گزارش را معطل فاروق وردک کرده که به دلیل بیماری پدرشان به بیرون از افغانستان رفته است!

او با انتقاد از حکومت گفت: حکومت می‌توانست کسانی را که غلفت کرده بودند، مجازات کند، زیرا مسله کندز آن‌قدر مبهم نبود که عاملان آن شناسایی نشود.

این نماینده مجلس گفت: ما نه با این کمیسیون ارتباط داریم و نه به آن اعتماد. این کمیسیون را حکومت تعیین کرده است؛ در حالی‌که یافتن حقیقت مساله کندز کار بسیار مشکلی نبود و حکومت می‌توانست عاملان را شناسایی و مجازات کند.

با این حال، فضل‌الکریم ایماق یکی از اعضای کمیسیون حقیقت‌یاب کندز که به گفته خودش این کمیسیون را تحریم کرده و فعلاً در کابل به سر می‌برید، می‌گوید: من از این کمیسیون انصراف ندادم، بل آن را تحریم کرده‌ام.

ایماق همچنان گفت: علت تحریم خود را بعد از کنفرانس مطبوعاتی کمیسیون حقیقت‌یاب به مردم اعلام خواهم کرد. کمیسیون حقیقت‌یاب رویداد کندز که پنج عضو دارد و ریاست آن را امرالله صالح رییس پیشین امنیت ملی و فاروق وردک وزیر معارف پیشین به عهده دارند، از سوی حکومت موظف شدند تا علل و عوامل سقوط کندز را بررسی و جنایاتی را که توسط طالبان صورت گرفته مشخص سازند.

اعضای این کمیسیون، اخیراً با رییس جمهوری و رییس اجرایی دیدار کردند و نتایج بررسی‌های شان را با آنها در میان گذاشتند.

رییس جمهوری دستور داده است که نتایج بررسی‌ها با مردم در میان گذاشته شود؛ اما به دلیل نه‌چندان موجه، نشر این گزارش به تأخیر افتیده است.

ناجیه نوری



بنیتس:

به جبران شکست مقابل سویا در ال کلاسیکو امیدوارم

رافائل بنیتس، سرمربی رئال در پایان بازی تیمش برابر سویا به خبرنگاران گفت: ما نتوانستیم بر اوضاع مسلط شویم. به نظر می‌رسید که ما بازی را تحت کنترل داریم اما کمی بعد مشخص شد که اینطور نیست. اشتباهات ما سبب شد که اعتماد به نفس سویا افزایش پیدا کند. ما باید کار حریف را در همان نیمه اول تمام می‌کردیم اما این کار را انجام ندادیم. بنیتس ادامه داد: در ۳۰ دقیقه نخست ما بازی را از هر لحاظ تحت کنترل داشتیم اما بعد از آن به حریف اجازه دادیم با استفاده از یک توپ مرده به بازی برگردد. در نیمه دوم ما دوباره بازی را خوب شروع کردیم هرچند اشتباهات را از سر گرفتیم. در ابتدای کار ما یک رئال مادرید فوق‌العاده را دیدیم اما عدم ثبات در عملکرد تیم باعث شد نتیجه دلخواه را کسب نکنیم. سرمربی کلهکشان‌ها با اشاره ال کلاسیکو که دو هفته دیگر کلهکشان‌ها میزبان آن خواهند بود، تأکید کرد: ما به اندازه کافی برای تجدید قوا زمان داریم و در مدت زمان باقی‌مانده تا ال کلاسیکو یک سری بازیکنانمان می‌توانند به جمع ما برگردند. بازی برابر سویا یک بازی کاملاً متفاوت بود و من امیدوارم که تیم به این شکست در ال کلاسیکو پاسخ خوبی بدهد. بازگشت خامس رودریگس، هافبک کلمبیایی کلهکشان‌ها به ترکیب این تیم، موضوع دیگری بود که سرمربی پیشین لیورپول به آن اشاره داشت. وی عنوان کرد: خامس بازیکنی بزرگی است و در یک سوم دفاعی حریف عالی کار می‌کند اما او هنوز به طور کامل آماده نیست. او باید بیشتر کار کند تا به سطح مورد نیاز برگردد.



سرمربی اسپانیایی تیم فوتبال رئال مادرید با اعتراف به ناتوانی تیمش برای مسلط شدن بر بازی مقابل سویا، ابراز امیدواری کرد شاگردانش اولین باخت‌شان در فصل جاری را در ال کلاسیکو جبران کنند. تیم فوتبال رئال مادرید برای اولین بار در این فصل تن به شکست داد و این سویا بود که در خانه‌اش توانست کلهکشان‌ها را با نتیجه ۳ بر ۲ شکست دهد و مسبب سقوط آنها به رده دوم جدول شود، آن هم در حالی که سفیدپوشان مادرید در بازی بعدی خود در لالیگا میزبان بارسلونای صدرنشین هستند.

بنیتس در پایان راجع به شدت مصدومیت سرخیو راموس، کاپیتان رئال مادرید هم گفت: فکر نمی‌کنم نتیجه بازی تحت تأثیر مصدومیت راموس بوده باشد چون هنگام مصدومیت او زمان زیادی تا پایان بازی مانده بود. در ضمن واران هم به خوبی توانست جای راموس را پر کند.

انریکه:

نیمار بازیکن منحصر به فردی است



سرمربی بارسلونا با تمجید از ستاره برزیلی تیمش گفت که شاید لیونل مسی به ال کلاسیکو پیش‌رو برسد. لوئیس انریکه در پی برتری ۳ بر صفر خانگی شاگردانش مقابل ویارئال در هفته یازدهم لالیگای اسپانیا با تمجید از مهاجم ۲۳ ساله تیمش که درخشش خاصی داشت و دو گل به هم به ثمر رساند، گفت: ما از بازیکنی صحبت می‌کنیم که منحصر به فرد و خاص است. کار او در این بازی تماشایی بود. وی افزود: بارسلونا در حال رشد و پیشرفت است و این مورد در این بازی کاملاً قابل مشهود بود. برای پیروزی در چنین بازی‌هایی باید در همان ۴۵ دقیقه نخست حریف‌تان را اسیر خود کنید. واضح بود که عملکرد نیمه اولمان دقیقاً همان چیزی بود که به آن نیاز داشتیم. سرمربی بارسا در پاسخ به این پرسش که «آیا بارسلونا حالا در بهترین شرایط خود در فصل جاری قرار دارد؟» گفت: در مورد تشخیص این موضوع خیلی خوب نیست، ولی فکر می‌کنم که تیم پیشرفت خوبی کرده است. امیدوارم به بهترین شرایط خود برسیم. موقعیت‌های کمی که ویارئال روی دروازه ما خلق کرد بدین معناست که ما کارمان را به خوبی انجام دادیم.

راموس به ال کلاسیکو نمی‌رسد

کاپیتان تیم فوتبال رئال مادرید به هواداران تیمش قبل از مهمترین بازی نیم فصل نخست لالیگا خبر نگران‌کننده‌ای داد. سرخیو راموس که مصدومیت شانه‌اش در بازی شب یکشنبه رئال مادرید در خانه سویا، بسیاری از هواداران کلهکشان‌ها را نگران غیبت او در ال کلاسیکو کرد، اعتراف کرد که مصدومیتش ممکن است او را برای مدتی خانه‌نشین کند. این در حالی است که رئال مادرید دو هفته دیگر، در چارچوب دیدارهای هفته دوازدهم لالیگا باید میزبان بارسلونا باشد. راموس درباره وضعیت مصدومیتش که چند دقیقه پس از گلزنی‌اش، او را وادار به ترک میدان کرد، گفت: وضعیت شانه‌ام چندان خوب نیست. بعد از زدن گل روی شانه‌ام فرود آمدم. چیزی که الان اهمیت دارد این است که روند ریکاوری‌ام را به خوبی سپری کنم. باید دید نتایج معایناتی که سه‌شنبه قرار است روی شانه‌ام صورت بگیرد، چگونه است. درد شانه‌ام نگذاشت بازی را به پایان برسانم و به همین دلیل بعید می‌دانم که در دو هفته پیش رو به تیم ملی هم کمک کنم. باید در سریع‌ترین زمان ممکن دوره ریکاوری‌ام را آغاز کنم. من با مصرف مسکن توانستم دقایقی برابر سویا بازی کنم اما زمانی که مصدومیتم تشدید شد، دیگر نتوانستم به کارم ادامه دهم. حالا باید روند ریکاوری را از اول شروع کنم.

راموس در ادامه در پاسخ به این سؤال که آیا عملکرد تیمش در باخت ۳ بر ۲ مقابل سویا را فاجعه‌آمیز می‌داند یا خیر، تأکید کرد: هر کسی آزاد است از هر صفتی که می‌خواهد برای توصیف عملکرد ما استفاده کند. ما خوب بازی نکردیم و این موضوع همیشه در نتیجه بازی نمود پیدا می‌کند. خانه سویا، یکی از سخت‌ترین مکان‌ها برای نتیجه گرفتن است و این موضوع فقط شامل رئال مادرید نمی‌شود. سویا به خاطر کسب نتایج ضعیف در بازی‌های قبلی‌اش زخم خورده بود و به همین دلیل انگیزه زیادی برای امتیاز گرفتن از ما داشت. می‌دانیم که بازی ضعیفی ارائه کرده‌ایم اما نباید بازی خوبی که سویا ارائه کرد را هم نادیده بگیریم. من فکر می‌کنم که رئال در این بازی بیش از اندازه کم‌تحرک بود.



کلوپ:

برای نخستین بار احساس تنهایی کردم



سرمربی لیورپول بعد از شکست برابر کریستال پالاس گفت در آنفیلد احساس تنهایی کرده است. به گزارش سایت گل، یورگن کلوپ نخستین شکست در رقابت‌های لیگ برتر انگلیس را تجربه کرد. لیورپول در هفته دوازدهم لیگ جزیره در آنفیلد از کریستال پالاس پذیرایی کرد. انتظار می‌رفت شاگردان کلوپ که هفته قبل جلسی را شکست داده بودند، به راحتی سه امتیاز حساس این دیدار خانگی را به دست آورند اما دو بر یک شکست خوردند. یورگن کلوپ در نشست خبری بعد از بازی گفت: وقتی کریستال پالاس گل دوم را به ثمر رساند، بسیاری از صندلی‌های آنفیلد خالی شد و در آن لحظه بود که احساس تنهایی کردم. دو بار از حریف عقب افتادیم. یک بار جبران کردیم اما بار دوم ناکام بودیم. او ادامه داد: کریستال پالاس ضد حمله را در دستور کارش قرار داده بود و در نهایت، خستگی زیاد بازیکنان کار دست ما داد و بازنده این بازی شدیم. مشکل اصلی لیورپول فشار زیاد بازی‌ها است. باید یاد بگیریم خودمان را با این شرایط وفق دهیم. اگر قرار باشد فشار زیاد بازی‌ها باعث خستگی شود، من هم خسته می‌شوم. نباید اجازه دهیم حریف احساس کند خسته هستیم. سرمربی سابق بوروسیا دورتموند اطمینان دارد تیمش می‌تواند چنین مشکلی را پشت سر بگذارد. او گفت: کسی که فکر می‌کند لیورپول توانایی حل مشکلات را ندارد، اشتباه می‌کند. با تلاش می‌توانیم چنین شرایطی را پشت سر بگذاریم. دوست ندارم پیش‌بینی کنم، فقط تلاش می‌کنیم و با صبر کردن به کارمان ادامه می‌دهیم. لیورپول با ۱۷ امتیاز به رده دهم جدول رده بندی سقوط کرد و الان با تیم صدرنشین منچستر سیتی، ۹ امتیاز اختلاف دارد.

از هر چیزی این است که ما حالا صدرنشین لالیگا هستیم و تنها یک امتیاز دیگر نیاز داریم تا صعودمان از مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا را هم قطعی کنیم. وقتی خبرنگاران خواستند که سرمربی بارسلونا، رونالدینیو و نیمار را با هم مقایسه کنند، او گفت: همانطور که گفتیم، من در مقایسه و تشخیص چنین چیزهایی اصلاً خوب نیستم. من خوش‌شانس بودم که با رونالدینیو همبازی بودم و همه ما از تماشای بازی او متحیر می‌شدیم. گل نیمار در این بازی فوق‌العاده بود. هم نیمار و هم رونالدینیو منحصر به فرد هستند. نیمار بازیکن کلیدی برای ما برای رسیدن به اهدافمان است. انریکه در خصوص وضعیت سوپرستار تیمش که در حال ریکاوری است و حضور احتمالی‌اش در ال کلاسیکو پیش‌رو، عنوان کرد: تنها چیزی که در حال حاضر نگران‌کننده است، مصدومیت مسی است. قطعاً ما با لئو قویتر می‌شویم. شاید مسی ال کلاسیکو را از دست بدهد، شاید هم نه! او همچنان در حال ریکاوری کردن است و باید بگویم که کارش را تا کنون به خوبی انجام داده است. ما دو هفته دیگر تا ال کلاسیکو وقت داریم و تا دو هفته یا کمی پس از آن لئو به جمع ما بازخواهد گشت.

انریکه این پرسش را هم که «آیا نیمار حالا دومین بازیکن برتر جهان است؟» اینگونه پاسخ داد: من قضاوت در این مورد را به شما می‌سپارم. از اینکه نیمار، مسی، بوسکنس، اینیستا و سوارز را در ترکیب تیمم دارد، خوشحالم. احساس می‌کنم با داشتن این بازیکنان امتیاز ویژه‌ای دارم. آنها بازیکنان منحصر به فردی هستند که توانایی‌های خود را برای نتیجه گرفتن تیم با یکدیگر ترکیب می‌کنند. وی در خصوص رابطه بین سه مهاجم اصلی تیمش هم اظهار داشت: داشتن مسی، نیمار و سوارز در یک تیم کار خیلی دشواری است. مهم نیست که در جریان بازی یکی از آنها بدرخشد و آن دو نفر دیگر اینطور نباشند. مهم هماهنگی و هارمونی آنها با تیم است. سرمربی ۴۵ ساله آبی‌واناری‌ها در پاسخ به این پرسش که «آیا مسی، نیمار و سوارز نسبت به همین مقطع در سال گذشته بهتر هستند؟» گفت: به یاد نمی‌آورم که آنها سال گذشته در چنین مقطعی چطور بودند. به هر حال تیم با وجود این شرایط که رقابت‌های جام حذفی شروع شده و مسابقات دیگر هم در جریان است، روند رو به رشدی را در پیش گرفته است. مهمتر

حزب حاکم میانمار

به شکست در انتخابات اعتراف کرد



با شمارش ۸۰ درصد آرا حزب حاکم میانمار به شکست خود در برابر اپوزیسیون اعتراف کرد. به نوشته روزنامه گاردین، وین هتین، سخنگوی حزب لیگ ملی برای دموکراسی متعلق به آنگ سان سوچی به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته است که حزب ۷۰ درصد آرا را تاکنون از آن خود کرده است. وی تاکید کرد: حزب ۵۰ تا ۸۰ درصد از آرای ۱۴ ایالت میانمار را از آن خود کرده است. با این حال تمامی این نتایج باید به تایید کمیسیون انتخابات برسد اما ما درباره تعداد آرا مطمئن هستیم. آنگ سان سوچی، رهبر اپوزیسیون میانمار با خوشحالی اعلام کرد: فکر می‌کنم که شما از نتیجه انتخابات مطلع هستید. انتظار می‌رود نتایج اولیه انتخابات میانمار حدود ساعت ۱۸ به وقت محلی منتشر شود. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا گفته است این انتخابات چندان مطلوب نبوده است. اپوزیسیون میانمار برای به دست آوردن قدرت تنها به ۶۷ درصد آراء نیاز دارد. هنای اوو، رئیس موقت حزب حاکم اتحادیه توسعه و همستگی در گفتگو با خبرگزاری رویترز گفت که نتایج اولین انتخابات آزاد کشور پس از ۲۵ سال را می‌پذیرد. تین سین، رئیس‌جمهور میانمار تاکنون اظهار نظری نداشته است. کمیسیون انتخابات میانمار نیز هنوز نتایج رسمی را اعلام نکرده است. هنای اوو گفت: ما شکست خوردیم. باید به دنبال دلایل شکست باشیم. به هر

حال نتایج را بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌پذیریم. وی گفت که از شکست سنگین حزب در منطقه هینتادا که کانون حمایت از حزب حاکم شمرده می‌شد، متعجب شده است.

نواز شریف برای گسترش روابط پاکستان با آسیای میانه به ازبکستان می‌رود

سفر نخست وزیر پاکستان به ازبکستان در حالی انجام می‌شود که بر اساس گزارش‌ها اسلام‌آباد سال‌هاست که از مسئله تروریسم رنج می‌برد. نیروهای امنیتی پاکستان عملیات نظامی را علیه تروریست‌های مناطق قبایلی این کشور از یک سال گذشته به اینطرف آغاز کرده‌اند اما برخی از کارشناسان بر این باورند که عملیات نظامی نیروهای پاکستانی در این مناطق موجب شد تا تروریست‌ها به خاک افغانستان پناه ببرند. گزارش‌های متعددی از حضور جنگجویان خارجی در نقاط مختلف افغانستان به خصوص شمال این کشور وجود دارد. طالبان و دیگر شبه‌نظامیان ماه گذشته شهر استراتژیک قندوز را به مدت چند روز به تصرف خود درآوردند که موجب نگرانی کشورهای آسیای میانه شد. ازبکستان که با افغانستان نیز مرز مشترک دارد، در روزهای اخیر بارها هشدار داده است که می‌بایست برای حمله احتمالی از این مرزها آماده باشند. با این حال، «وکاس سوارپ» سخنگوی وزارت امور خارجه هند معتقد است که اسلام‌آباد تروریسم را در سیاست خارجی خود مورد استفاده قرار می‌دهد. برخی از تحلیلگران مسائل منطقه‌ای بر این باورند که مقامات اسلام‌آباد پس از سفر به واشنگتن، موضع خود در منطقه را تغییر دادند و بشدت به دنبال گسترش روابط همکاری با سایر کشورها بخصوص آسیای میانه می‌باشند. نواز شریف در اجلاس اوفای روسیه نیز با رئیس‌جمهور ازبکستان دیدار کرده بود. علاوه بر آن، امامعلی رحمان رئیس‌جمهور تاجیکستان قرار است سفر سه روزه‌ای را در ۱۱ نوامبر به پاکستان انجام دهد و با مقامات این کشور در مورد مسائل مختلف گفت‌وگو کند.



نخست وزیر پاکستان قرار است هفته آینده به ازبکستان سفر کند و در مورد گسترش همکاری‌ها و مسائل بین‌المللی مانند اوضاع افغانستان با مقامات این کشور بحث و تبادل نظر کند. وزارت امور خارجه پاکستان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «نواز شریف» نخست وزیر این کشور در ۱۷ نوامبر ماه جاری به ازبکستان سفر خواهد کرد. نخست وزیر پاکستان در این سفر با «اسلام کریم‌اوف» رئیس‌جمهور، «شوکت میرضیایف» نخست وزیر و برخی اعضای پارلمان ازبکستان دیدار خواهد کرد. مقامات دو کشور در مورد گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین‌المللی مانند اوضاع افغانستان بحث و تبادل نظر خواهند کرد. همچنین در این دیدار قرار است چندین اسناد همکاری در زمینه‌های مختلف به امضاء برسد.

پوتین:

قدرت ارتش مادر سوریه ثابت شد



پوتین همچنین در سخنان امروز خود تصریح کرد، برنامه مدرنیزه‌سازی ارتش روسیه با موفقیت به اجرا در آمده است و کارخانه‌های دفاعی این کشور در حال تولید هواپیماها، موشک‌ها، کشتی‌های جدید و دیگر تسلیحات مدرن برای ارتش هستند. روسیه اقدام به استقرار ده‌ها جنگنده در یک پایگاه هوایی در استان لاذقیه سوریه کرده و تا کنون بیش از ۱۶۰۰ مأموریت رزمی هوایی را از ۳۰ سپتامبر تا

ولادیمیر پوتین رو دوشنبه اظهار کرد، کمپین هوایی مسکو در سوریه قابلیت و آمادگی رزمی بالای ارتش روسیه را ثابت کرده است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه در یک نشست با مقام‌های دفاعی این کشور اظهار کرد: عملیات مبارزه با تروریسمی که ما به درخواست رهبران سوریه در این کشور انجام می‌دهیم قدرت ارتش روسیه را ثابت کرده است.

دختران کرد، کابوس

داعش حتی پس از اسارت



در گزارش جدید دیده‌بان حقوق بشر سوریه به تجاوزات و اقدامات فجیع داعش علیه زنان ربوده شده در سوریه و عراق اشاره شده و آمده است که دختران کرد به مشکلی اساسی برای تروریست‌ها تبدیل شده‌اند و موارد متعددی ثبت شده که آنها دست به قتل خریداران خود و سپس خودکشی می‌زنند. به گزارش شبکه اسکای نیوز عربی، در گزارش جدید دیده‌بان حقوق بشر سوریه، اقدامات غیرانسانی گروه تروریستی داعش در حق زنان و دخترانی که به اسارت خود درمی‌آورد، اشاره شده و آمده است: اعضای داعش دختر یا دخترانی را خریده و سپس با انتشار تصویری از آن دختر و مالکش و درج قیمت آن در شبکه‌های اجتماعی اقدام به فروش آنان می‌کنند و پول خوبی به دست می‌آورند.

در گزارش مذکور آمده است: داعش در بین اسیران خود به دختران کرد اعتماد ندارد و از خرید و فروش آنها خودداری می‌کند چراکه آنها دست به قتل خریداران خود می‌زنند و سپس خودکشی می‌کنند که چندین مورد از این قبیل اقدامات از سوی کردها گزارش شده است. به همین دلیل داعش آنها را در زندان‌هایی ویژه بازداشت کرده و از فروش، به ازدواج درآوردن و یا استفاده از آنان به عنوان خدمتکار در خانه‌های اعضای خود، به شدت پرهیز می‌کنند.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه که مرکز آن در لندن قرار دارد اعلام کرد با کمک اطلاعاتی از منابع موثق به دست آورده موفق به ثبت این اقدامات داعش شده است و طبق این اطلاعات داعش زنان و دختران را پیش از فروش و سوءاستفاده از آنان، در زندان‌هایی حبس می‌کند. اطلاعاتی که در گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه آمده با اطلاعاتی که در گزارش‌های دیگر سازمان‌های حقوقی بین‌المللی منتشر شده، تطابق دارد و در هر دو آنها، گزارشی از رنج و سختی‌هایی که زنان ربوده شده توسط داعش پیش از فرار از چنگال این تروریست‌ها کشیده‌اند و روایت‌های وحشتناک آنان از سوءاستفاده و بردگی آمده است.

سازمان جهانی «یزدا» متعلق به ایزدی‌ها که مقر آن در امریکاست، در شهر دهوک عراق مرکزی برای کمک به این زنان و دختران که موفق به فرار از چنگ داعش شده‌اند، به راه انداخته تا به این ترتیب آسیب‌های آنان را برطرف کرده و با حل مشکلاتشان، آنان را برای بازگشت دوباره به زندگی آماده کند.

خرید و فروش دختران و زنان اسیر به تجارتی سودآور برای اعضای داعش بدل شده به طوری که طبق گزارش ماه ژوئیه گذشته دیده‌بان حقوق بشر سوریه، داعش ۴۲ زن و دختر ایزدی را هر یک به مبلغی در حدود ۵۰۰ تا ۲۰۰ دالر امریکا فروخته است.

طبق این گزارش، داعش تنها به تجارت، خرید و فروش زنان و دختران جوان بسنده نکرده و در ماه گذشته میلادی در حومه شرقی دیرالزور دختران جوانی را میان اعضای خود در بمباران‌ها زخمی شده بودند به عنوان پاداش تقسیم کرد!